

ترجمه و چاپ در ایران، تحت امتیاز
انتشارات وایلی توسط انتشارات آوند دانش

WILEY

داستان نویسی

FOR
DUMMIES®

نوشته‌ی

رندی اینگرمَنسن

پیتر اِکونومی

برگردان:

سارا کاظمی‌منش



آوند دانش

فهرست مطالب در یک نگاه

.....

مقدمه.....	۱
بخش ۱: آماده شدن برای داستان نویسی.....	۷
فصل ۱: اصول داستان نویسی.....	۹
فصل ۲: چه چیزی یک داستان فوق العاده می سازد.....	۲۳
فصل ۳: پیدا کردن مخاطب و ژانر خودتان.....	۴۱
فصل ۴: چهارراه برای نوشتن یک رمان عالی.....	۶۹
فصل ۵: مدیریت زمان ... و خودتان.....	۸۵
بخش ۲: خلق رمانی باورپذیر.....	۱۰۱
فصل ۶: ساختن دنیای داستانی: محیط داستان شما.....	۱۰۳
فصل ۷: خلق شخصیت های باورپذیر.....	۱۲۷
فصل ۸: خط داستانی و ساختار سه پرده ای: لایه های فوقانی پی رنگ.....	۱۶۱
فصل ۹: خلاصه ی داستان، فهرست صحنه ها و صحنه: لایه های میانی پی رنگ.....	۱۸۹
فصل ۱۰: کنش داستانی، گفت و گو و غیره: پایین ترین لایه ی پی رنگ.....	۲۱۳
فصل ۱۱: تعیین درون مایه ی داستان.....	۲۴۵
بخش ۳: ویرایش و پرداخت داستان و شخصیت ها.....	۲۶۱
فصل ۱۲: تحلیل شخصیت های داستان.....	۲۶۳
فصل ۱۳: موشکافی ساختار داستانی.....	۲۸۹
فصل ۱۴: ویرایش صحنه ها با توجه به ساختار.....	۳۱۳
فصل ۱۵: ویرایش صحنه ها با توجه به محتوا.....	۳۳۱
بخش ۴: به چاپ رساندن.....	۳۵۳
فصل ۱۶: کسب آمادگی برای چاپ اثر: پرداخت و ارائه.....	۳۵۵
فصل ۱۷: تماس با نماینده ی ادبی و دبیر انتخاب کتاب.....	۳۸۱
بخش ۵: بخش ده تایی ها.....	۳۹۷
فصل ۱۸: ده گام برای تحلیل داستان شما.....	۳۹۹
فصل ۱۹: ده دلیل رد شدن رمان ها.....	۴۰۹

فصل ۱

اصول داستان‌نویسی

در این فصل

- دورخیز برای به چاپ رساندن
- آمادگی ذهنی برای نوشتن
- نوشتن داستانی فوق‌العاده و ویراست آن

که گفتید قصد دارید رمان بنویسید؟ چه عالی! اما آیا این تمام کاری است که می‌خواهید انجام دهید؟ به هر حال، هر کسی می‌تواند یک‌سری کلمه تایپ کند و اسمش را بگذارد رمان. مهم این است که رمان جوری نوشته شود که بتوان چاپش کرد. این کتاب برای داستان‌نویسانی طراحی شده است که می‌خواهند یک رمان عالی بنویسند و آن را به چاپ برسانند و این هدف سخت و جان‌فرسایی است؛ اما اگر هوشمندانه عمل کنید، کاملاً شدنی است.

اگر می‌خواهید رمان بنویسید باید ذهن‌تان به‌طور کامل درگیر این کار شود. این یعنی باید طرح بازی‌ای را بریزید که در آن حتماً برنده خواهید شد، و بعد این طرح را عملی کنید. وقتی طرح‌تان آماده شد به مهارت‌های نوشتن (و دوباره‌نویسی) نیاز دارید، آن هم به مقدار زیاد. داستان‌نویسی یعنی ایجاد مجموعه‌ای به هم پیوسته‌ای از مهارت‌های فنی که هم استراتژیک هستند و هم تاکتیکی. هیچ کدام این مهارت‌ها سخت نیستند و اگر راهنمای خوبی داشته باشید فراگیری‌شان بسیار آسان‌تر خواهد بود.

بعد از نوشتن رمانی خوب، چه بخواهید یک نماینده استخدام کنید و چه خودتان معامله را انجام دهید، فروختن یک داستان قوی به این بستگی دارد که بهترین ارتباط‌ها را با مناسب‌ترین افراد و در بهترین زمان‌ها برقرار کنید.

هدف ما در این کتاب این است که شما را از مقام نویسنده‌ی تازه‌کار به مقام نویسنده‌ی حرفه‌ای برسانیم. ما کاملاً مطمئنیم که شما از پیش برمی‌آیید و چگونگی‌اش را هم در این فصل توضیح خواهیم. اگر شما استعداد و پشتکار لازم برای انجام کاری که باید به آن بپردازید را داشته باشید، هدف‌تان می‌تواند اتفاق بیفتد و اتفاق هم خواهد افتاد.

پنج افسانه‌ی محلی که می‌توانند برایتان شر درست کنند

اکتسابی باشد چه؟ حقیقت امر این است که رمان نوشتن به چند مهارت نیاز دارد. ما هرگز کسی را ندیده‌ایم که از بدو شروع به نوشتن تمام این مهارت‌ها را داشته باشد. هر رمان‌نویس کتاب چاپ کرده‌ای که ما می‌شناسیم ساعت‌های زیادی را صرف آموختن فن نوشتن کرده است. همه‌ی این آدم‌ها هم در یک چیز اشتراک داشتند: ثبات قدم. ما اصلاً نمی‌دانیم استعداد چه می‌تواند باشد، اما وقتی با ثبات قدم روبه‌رو شویم تشخیص‌اش می‌دهیم. اگر ثابت‌قدم باشید شانس چاپ آثارتان به اندازه‌ی هر کس دیگری بالا خواهد بود.

✓ افسانه‌ی شماره ۳: تو که چیزی نداری

که راجع به آن بنویسی. مگر فقط یک جور رمان برای نوشتن وجود دارد؟ آیا همه‌ی رمان‌نویس‌ها باید حتماً اهل نیویورک باشند؟ همه‌شان باید شیک و باحال باشند؟ چرا؟ اگر به اندازه‌ای عمر کرده باشید که تایپ کردن را یاد گرفته‌اید، قطعاً چیزی دارید که از آن بنویسید. اگر تا به حال ترس، شوق، پس زده شدن، عشق، خشم، لذت، درد، اغنا، یا تنگدستی را تجربه کرده باشید حتماً خیلی چیزها برای نوشتن دارید. اگر از دوران کودکی تیره و تاری جان به در برده‌اید یا در دوره‌ی راهنمایی مدرسه‌ی مزخرفی داشتید یا از رابطه‌ی مسمومی بیرون آمده‌اید - اگر تا جهنم رفته و برگشته‌اید - آنگاه نوشتنی‌هایتان به اندازه‌ی تمام فعالیت حرفه‌ای‌تان جواب می‌دهد. اگر زندگی‌تان، از آغاز تا پایان، یک جریان شاد از خوشی مطلق بوده است، آن وقت باید کمی بیشتر زحمت بکشید. اما همچنان می‌توانید از این زندگی هم داستانی بسازید.

بهمحض اینکه به اطلاع خانواده و دوستان‌تان برسد که دارید روی یک رمان کار می‌کنید آن‌ها شروع می‌کنند به قصه‌سرایی درباره‌ی نوشتن. این‌ها چیزهایی هستند که "همه می‌دانند" و در عین حال از بیخ و بن اشتباهند. اما این باورها - غلط یا درست - می‌توانند حرفه‌ی نویسندگی شما را پیش از آغاز به پایان برسانند. در ادامه تعدادی از این افسانه‌های محلی را که به گوش‌مان رسیده است همراه با جواب‌هایی که شما باید بدانید آورده‌ایم:

✓ افسانه‌ی شماره ۱: تو برای رمان نوشتن

به اندازه‌ی کافی باهوش نیستی. برای رمان نوشتن باید چقدر هوش داشت؟ تو از کجا می‌دانی؟ اصلاً آ‌ی کیو چه ربطی به داستان‌نویسی دارد؟ حقیقت این است که مهم‌ترین چیزی که هر رمان‌نویسی به آن نیاز دارد این است که به ژرفای چشمه‌های احساسی خود شیرجه بزند و داستانی بیافریند که بتواند خواننده‌هایش را تکان دهد. ما رمان‌نویس‌های زیادی را می‌شناسیم که درجه‌ی هوشی آن‌ها گستره‌ی وسیعی را - از متوسط گرفته تا بسیار باهوش - شامل می‌شود. اما تک‌تک آن‌ها کسانی هستند که اگر برای مدتی طولانی با آن‌ها در یک جزیره‌ی دورافتاده گیر بیفتیم خوشحال خواهیم بود. رمان‌نویسان آدم‌های بسیار صادقی هستند که از بیان حقایق درونی خود طفره نمی‌روند. اگر از پس این کار برآیید، می‌توانید رمان هم بنویسید.

✓ افسانه‌ی شماره ۲: تو برای رمان نوشتن

به اندازه‌ی کافی استعداد نداری. استعداد چیست؟ آیا همه بلدند استعداد را اندازه بگیرند؟ اگر استعداد به‌جای موروثی بودن

بشوی دوستانه را از یاد می‌بری. کدام نویسنده‌ی معروفی بعد از به شهرت رسیدن دوستان واقعی‌اش را از یاد برد؟ اصلاً چرا آدم باید چنین کاری بکند؟ اگر معروف بشوید تعداد زیادی از آدم‌هایی که وانمود می‌کنند دوست شما هستند دوره‌تان می‌کنند تا از شهرت‌تان بهره ببرند. دیری نمی‌پاید که می‌فهمید دوستانی که شما را قبل از شهرت می‌شناختند تنها دوستانی هستند که مطمئنید واقعاً شما را به خاطر خودتان دوست دارند. شما دوستان واقعی‌تان را فراموش نمی‌کنید. بلکه ارزش آن‌ها را بیش از پیش خواهید دانست.

✓ افسانه‌ی شماره ۴: تو باید برای چاپ کردن رمان آدم بشناسی. چه کسی استغاف کینگ را قبل از نشر آثارش می‌شناخت؟ چه کسی تام کلنسی را می‌شناخت؟ چه کسی با جی. کی. رولینگ آشنا بود؟ اگر نوشته‌ی خوبی در جیب داشته باشی خیلی زود با آدم‌ها ارتباط می‌گیری. تنها کاری که باید بکنید این است که آنچه نوشته‌اید را به دیگران ارائه کنید تا آدم‌های مربوطه پدایتان کنند. بله، جداً همین‌طور است. نوشته‌های خوب همیشه روابط خوبی را به ارمغان می‌آورند.

✓ افسانه‌ی شماره ۵: وقتی معروف

تعیین هدف نهایی‌تان به‌عنوان یک نویسنده

اگر دارید رمان می‌نویسید، در تعیین اهداف‌تان میانه‌روی نکنید. اول از همه، شما می‌خواهید یک رمان خیلی خوب بنویسید، مگر نه؟ شما وارد این بازی نشده‌اید که چرندیات بنویسید. شما استعداد دارید، و یک داستان، و می‌خواهید آن را به‌خوبی به رشته‌ی تحریر درآورید.

دوم آنکه شما می‌خواهید این داستان وامانده را به چاپ برسانید. سرتان را کج نکنید و نگویید: "همین که بنویسمش کافی است". بنویسید تا چاپ کنید. فروتنی خوب است اما اگر کاذب باشد سبب می‌شود شما از آنچه که واقعاً می‌خواهید انجام دهید باز بمانید.

همین حالا این فعالیت را انجام دهید:

۱. یک تکه کاغذ بردارید و جملات زیر را روی آن بنویسید:

"من می‌خواهم رمان بنویسم و آن را چاپ کنم. من این کار را انجام می‌دهم چون نوشتن رمان کار ارزشمندی است و من استعدادش را دارم. من به این کار می‌پردازم چون می‌خواهم اثر ارزشمندی را با دنیا در میان بگذارم. اجازه نمی‌دهم هیچ چیز مانعم شود."

